



بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً عید سعید غدیر را که بخش عمده ای از شناسنامه ی شیعه ی ائمه (علیهم السّلام) محسوب میشود و مرد و زن شیعی در طول سالیان طولانی و قرنهای متمادی با یاد این روز و این حادثه هویت خود را احساس کرده اند، به شما حضار عزیز و همه ی مردم مؤمن کشورمان و به دنیای اسلام تبریک عرض میکنیم. و به شما برادران و خواهران گرامی؛ بخصوص برادران و خواهرانی که از راه های دور و شهرهای گوناگون تشریف آوردید و همچنین به خانواده ی معظم شهیدان خوشامد عرض میکنیم.

مسئله ی غدیر جزو مسائلی است که در پیرامون آن فکر کردن، امروز به جامعه ی اسلامی و بخصوص به مردم و کشور ما خیلی کمک میکند برای اینکه راه درست حرکت را گم نکنند. دو سه نکته را در پیرامون مسئله ی غدیر عرض میکنیم.

یک نکته خود واقعه ی غدیر است. دنیای اسلام در زمان پیامبر اکرم که بالنسبه وسعتی پیدا کرده بود، شاهد يك امر بسیار مهمی بودند و آن اعلام جانشینی امیرالمؤمنین بود. قضیه ی حادثه ی غدیر را فقط شیعه نقل نکردند، محدثین اهل سنت و بزرگان اهل سنت هم بسیاری این حادثه را نقل کردند، ولی فهم آنها از مسئله گاهی متفاوت است؛ اما اصل این حادثه در بین مسلمین جزو مسلمات محسوب میشود. این حادثه که تعیین جانشین برای پیغمبر در ماه های آخر زندگی ایشان - تقریباً هفتاد روز به پایان زندگی پیغمبر - بود، رخ داده است و در حقیقت خود نشان دهنده ی اهمیت مسئله ی حکومت و سیاست و ولایت امر امت اسلامی از نظر اسلام است. اینکه امام بزرگوار ما و پیش از ایشان بسیاری از بزرگان فقها بر روی مسئله ی وحدت دین و سیاست و اهمیت مسئله ی حکومت در دین تکیه میکردند، ریشه اش در تعالیم اسلام و از جمله در درس بزرگ غدیر است. این اهمیت موضوع را میرساند. همه ی مردمانی که از واقعه ی غدیر خم این معنا را میفهمند - یعنی ما شیعیان و حتی بسیاری از غیر شیعه که همین معنا را احساس کردند یا درک کردند از قضیه ی غدیر - بایستی در همه ی دورانهای تاریخ اسلام توجه کنند به اینکه مسئله ی حکومت يك مسئله ی اساسی و مهم و درجه ی اول در اسلام است؛ نمیشود نسبت به مسئله ی حکومت و حاکمیت بی اعتناء و بی تفاوت بود. نقش حکومتها هم در هدایت مردم یا در گمراه کردن مردم امری است که تجربه ی بشر به آن حکم میکند. اینکه در نظام جمهوری اسلامی - چه در قانون اساسی، چه در بقیه ی معارف جمهوری اسلامی - این همه بر روی مسئله ی مدیریت کشور اسلامی تکیه میشود، به خاطر همین ریشه ی بسیار عمیق و عریقی است که در اسلام نسبت به این قضیه هست. این يك نکته است که نباید از نظر دور باشد.

نکته ی دیگر در کنار این مسئله این است که در واقعه ی غدیر، پیغمبر اسلام امیرالمؤمنین؛ علی بن ابی طالب (علیه الصّلاة و السّلام) را معرفی کردند. خصوصیتی که در آن دوران و در دورانهای بعد، زندگی به آن شناخته شد، چه بود؟ اینها برای ما معیار است. امیرالمؤمنین اولین خصوصیتش دلبستگی و پایبندی به رضای الهی و حرکت در مسیر صراط مستقیم بود؛ هر مقداری که دشواری داشته باشد، هرچه مجاهدت بخواند، هرچه گذشت، بخواند. این مهمترین خصوصیت امیرالمؤمنین است.

امیرالمؤمنین کسی است که برای خدا و در راه خدا از دوران کودکی تا لحظه ی شهادت يك لحظه و در يك قضیه پا عقب نکشید و دچار تردید نشد و همه ی وجود خود را در راه خدا به میدان آورد. آنوقتی که باید تبلیغ میکرد، تبلیغ



کرد؛ آنوقتی که باید شمشیر میزد، در رکاب پیغمبر شمشیر زد و از مرگ نترسید؛ آنوقتی که لازم بود صبر کند، صبر کرد؛ آنوقتی که لازم بود زمام سیاست را به دست بگیرد، سیاست را به دست گرفت و وارد میدان سیاست شد. و در همه ی این دورانه‌های گوناگون، آنچه لازمه ی فداکاری از آن بزرگوار بود، بروز و ظهور پیدا کرد. پیغمبر اکرم يك چنین کسی را در رأس جامعه ی اسلامی قرار میدهد. این شد درس؛ این يك درس برای امت اسلامی است. فقط يك حافظه ی تاریخی و خاطره ی مربوط به قرنهای گذشته نیست. این نشان میدهد که برای اداره ی جامعه ی اسلامی و جوامع اسلامی و امت اسلامی، معیارها اینهاست: خداپرستی، در راه رضای خدا مجاهدت کردن، جان و مال را به عرصه آوردن، از هیچ سختی و مشکلی روگردان نبودن، و از دنیا اعراض کردن. این قله، امیرالمؤمنین است؛ شاخص، وجود امیرالمؤمنین است. این درس بزرگ غدیر است.

نگاه کنیم به دنیای اسلام و حکومت‌های اسلامی و به سطح عالم و مدیریت‌های سیاسی در دنیا و ببینید فاصله چقدر است بین آنچه که اسلام به بشریت ارائه کرد و آنچه امروز در واقعیتها وجود دارد. ضربه ای که بشریت میخورد، بخش عمده ای از این ناحیه است. اسلام برای سعادت بشریت مدیریتی از نوع مدیریت امیرالمؤمنین را لازم میدانند، که البته امیرالمؤمنین در این قسمت شاگرد و پیرو پیغمبر است. خود امیرالمؤمنین وقتی درباره ی زهد او سخن گفته شد، گفت زهد من کجا و زهد پیغمبر! در مجاهدت، در صبر و در همه ی این مراتب، امیرالمؤمنین شاگرد برجسته و ارشد پیامبر خداست. و این چنین کسی است که شایسته است. همه ی ما باید این را به عنوان الگو در نظر بگیریم؛ نه فقط برای کشور خودمان، برای دنیای اسلام؛ داعیه این است، توقع این است.

يك چنین انسان والا و بزرگ و بی اعتنای به دنیا، به زر و زیورها، آماده ی برای جانفشانی در راه حق و حقیقت است که میتواند جوامع بزرگ انسانی را نجات بدهد. تسلیم خواهش‌های نفسانی نشود، مصلحت‌های حقیر شخصی، او را مغلوب حوادث بزرگ زندگی نکند. اینکه ما بارها عرض میکنیم پیام اسلام و پیام جمهوری اسلامی برای دنیا، پیام نوئی است، یعنی این؛ این يك نمونه ی برجسته ی آن است.

امروز شما نگاه کنید به سطح زندگی بشریت در دنیا؛ رؤسای کشورها، مدیران امور سیاست ملت‌ها را نگاه کنید؛ کدامشان حاضرند از منافع شخصی خودشان صرف نظر کنند و بگذرند؛ آنجائی که این منفعت برایشان دم دست است و میتوانند از آن بهره بگیرند؟ کدامشان حاضرند جان خودشان را در راه مصلحت ملتشان و کشورشان قربانی کنند و فدا کنند؟ کدامشان حاضرند پا روی رودربایستی‌ها و ملاحظه کاری‌ها بگذارند؟ امروز فقر بزرگ بشریت از جمله، فقر همین گونه مردان است که اسلام نمونه ی عالی آن را به بشریت نشان داده است. البته پیداست رسیدن به آن قله، کار افراد عادی بشر نیست؛ کسی نمیتواند مثل امیرالمؤمنین زندگی و مشی کند؛ این يك آرزوی نشدنی است. اما قله، جهت را به ما نشان میدهد. به سمت آن قله باید حرکت کرد، به او باید شبیه و نزدیک شد. این، آن نقیصه ی بزرگ و کمبود بزرگ بشریت است. این نکته ای است که در ماجرای غدیر وجود دارد. این هم يك مسئله است، که باید به این توجه کرد؛ پیام غدیر به دنیا، پیام الگوی حکومت اسلامی است.

انسانی که در راه خدا با دشمن، با موارد غرض ورزی، آنچنان سخت و قاطع برخورد میکند؛ اما در مقابل انسانهای مظلوم، انسانهای ضعیف، آنچنان خاکسار است، آنچنان بردبار است که کسی باور نمیکند این امیرالمؤمنین است. اوائلی که امیرالمؤمنین وارد کوفه شده بودند و مردم آن حضرت را نمیشناختند، رفتار آن حضرت، لباس آن حضرت، مشی آن حضرت، جوری بود که هیچ کس تو کوچه و بازار که حضرت راه میرفت، نمیفهمید که امیرالمؤمنین به آن عظمت، همین شخصی است که دارد به طور معمولی و عادی راه میرود. در مقابل مردم ضعیف، مردم معمولی، این چنین متواضع و بردبار و خاکسار است؛ همان کسی که در مقابل دشمنان غدر، دشمنان گردن کلفت، آن چنان قاطع مثل کوه می ایستد؛ اینها الگوست.



مجلس شورای اسلامی ایران

يك نکته ی دیگر هم در باب مسئله ی غدیر عرض کنیم. مسئله ی غدیر برای ما شیعیان پایه ی عقیده ی شیعی است. ما معتقدیم که بعد از وجود مقدس نبی مکرم اسلام (صلی الله و علیه و اله و سلم) امام به حق برای امت اسلامی، امیرالمؤمنین بود؛ این، پایه و مایه ی اصلی عقیده ی شیعه است. معلوم است که برادران اهل سنت ما، این عقیده را قبول ندارند؛ جور دیگری نظر میدهند، جور دیگری فکر میکنند؛ این شاخص وجود دارد. لکن همین قضیه ی غدیر در يك نقطه وسیله و مایه ی اجتماع امت اسلامی است و او شخصیت امیرالمؤمنین است. درباره ی شخصیت و عظمت این انسان بزرگ و والا بین مسلمین اختلافی نیست. امیرالمؤمنین را همه در همان نقطه ی عالی و سامی (1) که باید به او در آن نقطه نگریست - از لحاظ علم، از لحاظ تقوا، از لحاظ شجاعت - مینگرند و می بینند؛ یعنی ملتقای عقیده ی همه ی آحاد امت اسلامی امیرالمؤمنین است.

آنچه که ما امروز باید به آن توجه کنیم، این است که شیعه این عقیده را برای خود مثل جان عزیز در طول قرنهای متمادی حفظ کرده است؛ با وجود دشمنی هائی که شده است - که این دشمنی ها را کم و بیش همه میدانند؛ چقدر ظلم کردند، چقدر فشار آوردند، چقدر اختناق ایجاد کردند - شیعه این عقیده را حفظ کرد؛ معارف تشیع را گسترش داد؛ فقه شیعه، کلام شیعه، فلسفه ی شیعه، علوم گوناگون شیعه، تمدن شیعی، فکر راقی شیعیان، بزرگان شیعه و برجستگان شیعه در تاریخ اسلام درخشان است. بنابراین، این عقیده ای است که شیعه آن را حفظ کرده است و حفظ خواهد کرد؛ اما توجه بکنید که این اعتقاد مایه ی دعوا و نزاع نباید بشود. این، آن حرفی است که ما سالهاست این را گفتیم و تکرار کردیم، باز هم تکرار میکنیم. و می بینیم که دشمن چه نیتی دارد، چه قصد خبیثی دارد از ایجاد اختلاف بین آحاد امت اسلامی به عناوین مختلف، از جمله با عنوان شیعه و سنی. دشمن یعنی دشمن اسلام، دشمن قرآن، دشمن مشترکات، دشمن توحید؛ نه دشمن يك بخشی از اسلام. دشمن سعی اش این است که بین امت اسلامی، دشمنی برقرار کند؛ میفهمد که اتحاد دنیای اسلام چقدر برای او مضر است. دشمن دید که وقتی انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد، عظمت این انقلاب و تشعشع این انقلاب، چطور در دنیای اسلام و در کشورهای اسلامی توانست دلها را به خود جذب کند؛ دلها را که شیعه نبودند. میلیونها نفر از برادران اهل سنت در کشورهای عربی، در کشورهای آفریقائی، در کشورهای آسیائی مجذوب انقلاب شدند و از این ناحیه، دشمن ضربه خورد؛ از اتحاد دلها، از توجه دلها به جمهوری اسلامی - دلهای آحاد مسلمانها - دشمن ضربه خورد. میخواهد این توجه را از بین ببرد؛ چه جور؟ با ایجاد دشمنی بین شیعه و سنی.

الان یکی از بخشهای مهم سیاست استکبار در همین منطقه ی ما - علاوه بر دشمنی های دیگری که میکنند - این است که این سران بعضی از کشورهای عربی را با خودشان همراه کنند و آنها را در مقابل ملت ایران قرار بدهند؛ در مسائل گوناگون؛ در مسئله ی هسته ای و غیر مسئله ی هسته ای، از مسائل مختلف. جلسه میگزارند، می نشینند، معامله میکنند، توطئه میکنند. آمریکا از بعضی از کشورهای اسلامی مطالبه میکند که شما چه سهمی حاضرید ایفا کنید در مقابله ی با ایران. سعی شان ایجاد دشمنی است. کاری که دشمن میتواند در محافل و تصمیم گیری های سیاسی بکند، این است که سران دولتها را با جمهوری اسلامی وادار به مقابله کند؛ بیش از این کاری نمیتواند بکند. دشمن دل مردم - دل مردم کشورهای عربی، دل مردم کشورهای اسلامی، دل مردم فلسطین، دل مردم عراق - را نمیتواند از جمهوری اسلامی برگرداند؛ دلها را که نمیتواند؛ حداکثر کاری که بکنند این است که بتوانند دولتها را در مقابل جمهوری اسلامی قرار بدهند. البته آن دولتها هم هر کدام ملاحظه کاری های خودشان را دارند و این جور هم نیست که آماده باشند یکجا خودشان را در اختیار صهیونیستها و استکبار در این قضیه قرار بدهند؛ اما در دل مردم اثری نمیتواند بکنند. در دل مردم چه اثر میکند؟ چه چیزی میتواند دلهای دنیای اسلام را از جمهوری اسلامی و از ملت ایران جدا کند؟ همین اختلافها و تعصبهای مذهبی است. اینها میتواند دلها را از هم جدا کند. از این باید ترسید؛ از این باید ترسید. همه مسئولند که مراقبت کنند. اینکه در دنیای تشیع علیه برادران اهل سنت، در دنیای



تسنن علیه برادران شیعه کتاب بنویسند، تهمت بزنند، بدگوئی کنند، این نه هیچ شیعه ای را سنی خواهد کرد، نه هیچ سنی ای را شیعه خواهد کرد. آن کسانی که مایلند همه ی مردم دنیای اسلام به محبت اهل بیت و ولایت اهل بیت بگردند، بدانند با دعوا راه انداختن و با اهانت کردن و با دشمنی کردن هیچ کس را نمیتوان شیعه کرد و به ولایت اهل بیت متوجه کرد. دعوا ایجاد کردن جز بغضاء و جدائی و دشمنی هیچ اثر دیگری ندارد و این بغضاء و دشمنی و جدائی همان چیزی است که امروز آمریکا میخواهد، صهیونیستها میخواهند و دارند برای آن تلاش میکنند. در یک کشور اروپائی غیر اسلامی دشمن تاریخی و بنیادین با کشورهای اسلامی، شما می بینید توی تلویزیون شان، مناظره ی شیعه و سنی راه می اندازند. یکی را از شیعه دعوت میکنند، یکی را از سنی دعوت میکنند، که شما بیائید تو این تلویزیون با هم مناظره کنید. مقصودشان چیست؟ یک کشور مسیحی، یک کشور استعمارگر با سابقه ی سیاه، مناظره ی شیعه و سنی به چه مقصود راه میندازد؟ میخواهد حقیقت معلوم بشود؟ میخواهد در بین مباحثه و مناظره، مستمعین و مخاطبان حق را بفهمند؟ یا میخواهد از این گفتگوها و از آنچه که در خلال این گفتگوها ممکن است از کسی سر بزند، این آتش اختلاف را تشدید کند؟ نفت روی این آتش بریزد؟ اینها باید ما را بیدار کند. اینها باید ما را به خود بیاورد؛ باید هشیار بشویم. شیعه منطق قوی ای دارد؛ استدلال متکلمین شیعه و علمای شیعه درباره ی مباحث تشیع استدلالهای پولادین و محکمی است؛ اما این ربطی ندارد به اینکه در دنیای تشیع شروع کنند به مخالفان خودشان بدگوئی کردن و اهانت کردن و ایجاد دشمنی کردن، آن هم در مقابل همین جور، و آتش دعوا درست کنند. ما اطلاع داریم، بنده هم امروز اطلاع دارم، هم از گذشته اطلاع دارم که پولها دارد خرج میشود برای اینکه اینها کتاب فحش و دشنام و تهمت بنویسند علیه آنها، آنها کتاب فحش و دشنام و تهمت بنویسند علیه آنها؛ پول هر دو را هم یک مرکز میدهد؛ پول هر دو کتاب و نشر هر دو کتاب از یک جیب خارج میشود. اینها هشداردهنده نیست؟ اینها را باید توجه کنند.

من امروز به برکت ولایت امیرالمؤمنین و به نام آن بزرگوار و با استمداد از روح بزرگ امیرالمؤمنین این را عرض کردم برای اینکه یک تأکیدی باشد بر آنچه که در طول سالیان متمادی امام بزرگوار گفتند، ماها گفتیم؛ همه بدانند، اینجور نباشد که کسی از یک گوشه ای خیال کند دارد از شیعه دفاع میکند و تصور کند دفاع از شیعه به این است که بتواند آتش دشمنی ضد شیعه و غیر شیعه را برانگیزد. این دفاع از شیعه نیست؛ این دفاع از ولایت نیست. اگر باطنش را بخواهید، این دفاع از آمریکاست؛ این دفاع از صهیونیستهاست. استدلال منطقی هیچ اشکالی ندارد؛ کتابها بنویسند، استدلال کنند؛ علمای ما نوشتند، امروز هم مینویسند و بنویسند. ما در فروع، در اصول، در بسیاری از مسائل، نظرات مستقل شیعی داریم، اینها را استدلال کنند، بیان کنند؛ آنچه که غیر از اینهاست، آن را با استدلال منطقی رد کنند؛ هیچ مانعی ندارد. اما این غیر از اهانت کردن، بدگوئی کردن، دشمنی درست کردن است؛ به این باید توجه کرد.

پروردگارا! به محمد و آل محمد دلهای ما را بیدار کن؛ دست ما را از دامن امیرالمؤمنین کوتاه مفرما؛ همان صبر، همان مجاهدت، همان اخلاص را در میان امت اسلامی و در میان ما مردم تفضل بفرما. پروردگارا! ما را با ولایت امیرالمؤمنین زنده بدار؛ با ولایت امیرالمؤمنین بمیران؛ قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی و خشنود کن. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(1) رفیع